



وضعیت عدالت انتقالی در افغانستان

حمل ۱۳۸۹

ایمیلی ونترتیم

مقدمه

طی سی سال جنگ مردم افغانستان شاهد نابودی ها، زجر، اعدام های دسته جمعی، جنگ داخلی، بی خانمانی داخلی و مهاجرت های اجباری به پاکستان، ایران و کشورهای دیگر بوده اند. تقریباً هر افغان داستانی از جنگ، رنج و تلفات و تباهی را برای گفتن دارد.^۱

همینکه جنگ به اتمام می رسد، ملت ها و فعالین بین المللی با چالش عدالت انتقالی مواجه می شوند تا به میراث سوء استفاده های زمان جنگ رسیدگی شود، عدالت و حسابدهی تامین گردد، دشمنی های قبلی با هم آشتی شوند و صلح پایدار بدست آید. انکشافات در قانون جهان توافق بین المللی را نشان میدهد که قتل عام، جرایم جنگی، و جرایم بر ضد انسانیت نباید بدون مجازات باقی بماند.^۲ سیاستمداران و مذاکره کنندگان که در اختتام بخشیدن منازعات شدید دخیل اند تایید می نمایند که نادیده گرفتن جرایم جنگی فرهنگ عفو را دایمی ساخته و باعث ترویج سوء استفاده ها در آینده می گردد.^۳

باوجود اندازه چشمگیر خشونت در افغانستان برای جرایم گذشته در هر مرحله جنگ اما بازهم حسابدهی وجود نداشته است. از امضای موافقتنامه بن در سال ۱۳۸۰ بدینسو، دولت افغانستان تلاش های هماهنگ شده ای نموده تا پروسه عدالت انتقالی را در کشور پیش ببرد. در عوض، شخصیت های دولتی و برخی از بازیگران بانفوذ جهانی بحث نمودند که تطبیق عدالت می تواند صلح را مختل سازد.^۴

متعاقباً بعضی از مرتکبین جرایم جنگی هنوز هم در دولت نفوذ دارند. از منطق کوتاه مدت نادیده گرفتن گذشته جهت اختتام بخشیدن به خشونت شاید قدردانی گردد. با این وجود، واقعیت اینست که جنگ هنوز ختم نگردیده است. موضوع عدالت انتقالی فقط در مورد پیگیری جرایم گذشته نبوده بلکه در مورد معامله با عفو مداوم می باشد که

در مورد نویسنده

ایمیلی ونترتیم در مورد عدالت انتقالی در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان پژوهش می نماید. قبلاً وی در مورد همین موضوع در بوسنیا هرزیگوینا پژوهش نموده؛ و ماستری اش را در سیاست بین الملل از پوهنتون اقتصاد و علوم سیاسی لندن بدست آورده است.

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه پژوهش با کیفیت مرتبط به پالیسی و عملکرد، و انتشار فعالانه نتایج حاصله از آنها جهت آگاهی دهی، و تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون؛ و تقویت فرهنگ پژوهش و مطالعه میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی توسط سازمان های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی تشکیل میدهد.

آدرس این اداره

کوچه گل فروشی (نبش سرک ۲)، شهر نو، کابل

تلفون: ۰۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸

پایگاه انترنتی: www.areu.org.af

پست برقی: areu@areu.org.af

^۱ در جریان مشاورت سرتاسری که کمیسیون مستقل حقوق بشر انجام داد، حدود ۷۰٪ کسانی که مصاحبه شدند گفتند که خود شان و اقارب نزدیک شان قربانیان مستقیم نقض شدید حقوق بشر در جریان جنگ بوده اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر، نیاز به عدالت: مشورت ملی در مورد نقض حقوق بشر در افغانستان (کابل)

^۲ ایجاد محاکم جرایم جنگی توسط سازمان ملل، تأسیس محاکم جنایی بین المللی، و جابجا شدن قوه قضایی بعضی از ممالک تا خارج از قلمرو شان با تطبیق قوه قضایی جهانی برای تصدیق جرایم گذشته و مسول قرار دادن مردم اساس حقوقی را بمیان می آورد.

^۳ Neil Kritz, "Coming to Terms with Atrocities: A Review of Accountability Mechanisms for Mass Violations of Human Rights," in *Law and Contemporary Problems* 59, no. 127 (1996): 127

^۴ یک نماینده از مرکز بین المللی عدالت انتقالی در ۲ قوس ۱۳۸۸ گفت، نظریه فعالین پالیسی میان سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۴ این بود که هر نوع تمرکز بر عدالت و حاکمیت قانون امنیت را ضعیف می سازد.

باعث مشروع نمودن و به تاخیر انداختن تلاش های حکومتداری و مبارزه علیه شورش می شود.

پالیسی نامه هذا از مصاحبه های که واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان روی موضوع عدالت انتقالی اجرا نموده گرفته شده و بالای رویکرد های اخیر پالیسی، فعالیت ها و آرزو های دولت افغانستان، جامعه جهانی (دیپلمات ها و جامعه مدنی) و جامعه مدنی افغانستان تمرکز می نماید. نشریه مذکور مختصری از شرایط پالیسی اخیر است و نشان می دهد که مسایل عدالت انتقالی در اجندای سیاسی افغانستان بدون توجه معقول نادیده گرفته شده است.

تاکید بر مردم افغانستان

افغانها هیچگاه عدالت سیستماتیک را برای جرایم جنگی تجربه ننموده اند. برعکس، قربانیان ناقضین حقوق بشر را در دولت، در اجتماعات شان و تلویزیون می بینند. بعلاوه، دولت قربانیان را نادیده می گیرد، هرچند موسسات جامعه مدنی اظهار نمودند تا طی یک پروسه رسمی از قربانیان جنگ حمایت و قدردانی نمایند. بعد از کشف گور دسته جمعی در بدخشان در سال ۱۳۸۶، رئیس جمهور حامد کرزی تعهد نمود که در آن ساحه یک تعمیری را برای یادبود از آن حادثه بنا نماید. زمانیکه این بنا در سال ۱۳۸۷ اعمار گردید یک اقدام جامعه مدنی بود و دولت در آن دخیل نبود. ۵. ایجاد یک موزیم جنگی در بدخشان در اواخر سال ۱۳۸۸ نیز توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر رهبری گردید نه دولت.

بی اعتنائی در مقابل رنج و شکایات قربانیان جنگ بلاخره عواقب جدید درازمدت را در پی دارد. بعضی کارشناسان بین المللی در افغانستان بحث می نمایند که بخشیدن و عدم اعتماد به نهاد های عدلی کشور باعث ایجاد شورش می گردند. ۶. اگر قربانیان افغانستان فراموش شده اند پس باید آواز آنها را در این بحث جا داد. پروژه ای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بنام "داستان های جنگ در افغانستان: عدالت، آشتی و راه های پیشرو"، می جوید تا به پروسه حساس عدالت انتقالی با اجرای تحقیق عمیق کیفی در مورد اینکه مردم واقعا در باره "عدالت"، "صلح" و "آشتی" چه نظریاتی دارند، کمک نماید. با اجرای این کار پروژه ای مذکور هدفمند است تا نظریات را بمنظور شناسایی مکانزم ها و استراتژی ها که به پیشرفت اجتماعات کمک می کند جمع آوری نماید. تحقیق مذکور در اوایل سال ۱۳۸۸ آغاز گردید در چهار ولایت کابل، کندهار، بدخشان و غزنی اجرا خواهد شد و تا اخیر سال ۱۳۹۰ ختم خواهد شد.

یافته های ابتدایی نشان می دهند که حتی افغان ها از یک اجتماع در مورد عدالت، آشتی و صلح دیدگاه های متفاوت دارند. جامعه

۵ نادر نادری، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر.

See Frank Ledwidge, "Justice and Counter-Insurgency in Afghanistan: A Missing Link," *RUSI Journal* 154, no. 1, (Feb 2009); and ICTJ, "Afghanistan: Submission to the Universal Periodic Review of the UN Human Rights Council Fifth Session: May 4-15" 3 November 2008

جهانی اغلب بعضی از اصطلاحات را به افغانستان انتقال داده اند بدون در نظر داشت اینکه مفاهیم مذکور در شرایط افغانستان چه معنی خواهند داشت و چگونه با ارزش ها و فرهنگ افغان ها مطابق خواهد بود.^۷ بنابراین مشخص نمودن راه های پیشرو نیازمند مشورت با افغانها است که افغان ها باید در هر پروسه حسابدگی یا آشتی در آینده فعالین کلیدی باشند.

محیط پالیسی

افغانستان دارای پلان عملی ملی برای صلح، آشتی و عدالت (۱۳۸۴) (پلان عملی) و قانون آشتی، عفو عامه و ثبات ملی (۱۳۸۶) (قانون عفو) می باشد.^۸ کابینه پلان عمل را بخوبی تصویب نمود و عدالت انتقالی را در اجندای سیاسی آن زمان واگذار کرد. بعداً در توافقنامه سال ۱۳۸۵ افغانستان و استراتژی انکشاف ملی سال ۱۳۸۷ شامل گردید. تا هنوز، پلان مذکور تطبیق نگردیده است^۹ و زمان اجرای فعالیت های که در آن ذکر گردیده بود در حمل ۱۳۸۸ ختم گردید و بعداً رئیس جمهور حامد کرزی درخواست کمیسیون مستقل حقوق بشر و جامعه جهانی را در راستای تمديد ضرب الاجل آن رد نمود. بعلاوه، مصاحبه های این اداره با فعالین ملی و بین المللی بیانگر این موضوع بودند که وزارت مربوطه که مسؤلیت تطبیق پلان مذکور را داشتند و برخی از اعضای اجتماعی دیپلماتیک جهانی در مورد آن آگاهی نداشتند. با این وجود، بسیاری از پاسخ دهندگان ملی و بین المللی بدین فکر اند که پلان مذکور چارچوبی را به جامعه مدنی و جامعه جهانی مهیا می سازد تا به عدالت انتقالی کمک نمایند. یک پاسخ دهنده جامعه مدنی بین المللی بیان داشت، "تا زمانیکه فعالیت ها تقویت نشوند، پلان عمل هنوز هم مرتبط است."

پلان عملی مذکور عفو عمومی را رد نمود، اما در قسمت جلوگیری از تصویب قانون عفو عمومی توسط شورای ملی افغانستان در ۱۳۸۶ موفق نگردید.^{۱۱} این امر اهمیت چشمگیر سیاسی داشت، که منحصیث یک اشاره قدرت مداوم ناقضین حقوق بشر کار کرد و این پیام زمانیکه قانون مذکور در جریده رسمی در جدی ۱۳۸۸ نشر گردید واضحتر گردید. این قانون حقوق مردم را حمایت می کنند که علیه افراد در محکمه شکایت نمایند (که با نفوذ که قربانی/مرتکبین جرایم جنگی دارند ناممکن است) اما در نبود شکایت توسط قربانی مقامات افغانی از پیگیری متهمین جرایم جنگی منع شده اند. این امر به دولت موقع می

۷ مراجعه شود به انا لارسن، بسوی دموکراسی افغانی، کابل واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۱۳۸۸

۸ جریده رسمی شماره ۹۵۶ (۱۳/۹/۱۳۸۷). قانون عفو در ۱۳۸۶ تصویب گردید اما در جریده رسمی تا سال ۱۳۸۸ نشر نگردید که در آن تاریخ ۱۳۸۷ درج گردید.

۹ پلان عملی پنج فعالیت عمده را ارائه نمود: معیار های سمبولیک، اصلاح سازمانی، جستجوی واقعیت، معیار های آشتی و حسابدگی.

۱۰ یگانه اقدامی که صورت گرفت، ایجاد بورد مشورتی ریاست جمهوری در روز قربانیان بود.

۱۱ این امر به تمامی جناح سیاسی و احزاب مخالف که قبل از تشکیل دولت موقت در منازعه قرار داشتند و افراد مسلح که مخالف دولت بودند بعد از تصویب این قانون اگر به مخالفت شان توقف دهند و به روند صلح اشتراک ورزند و به قانون اساسی و دیگر مقررات جمهوری اسلامی افغانستان احترام ورزند عفو ارائه نمود. نسخه دری آن در وبسایت وزارت عدلیه موجود است.

های دسته جمعی بخش از پالیسی های است که با گذشته مواجه است. از اینکه اسناد دقیق جرایم جنگی موجود است پس مشکل و خجالت آور است که کارمندان دولت از آنها چشم پوشی کنند، و فشار وارد می سازد تا مرتکبین این جرایم از قدرت برطرف شوند و سبب افزایش آگاهی در مورد جلوگیری از سو استفاده ها در آینده می گردد.^{۱۶}

کارشناسان بین المللی جهت ارتقای ظرفیت داخلی کمک می کنند تا آنها بتوانند گور های دسته جمعی را ثبت و اسناد برایشان مهیا سازند تا حفظ و پیگیری گردند و تا حد امکان از تخریب شواهد جلوگیری صورت گیرد. زمانیکه گور دسته جمعی از زمان کمونیست ها در بدخشان کشف گردید، اجتماع محلی به طریقه درست آنرا حفر نمودند که تحلیل های کالبد شناسی را غیرممکن ساخت.^{۱۷} قسمیکه یک کارشناس بین المللی شرح داد، در کشور که برای دریافت واقعیت های موثق تلاش اندک اجرا شده، جامعه جهانی در راستای جمع آوری و حفظ شواهد کمک می کند تا در زمانیکه افغان ها بتوانند تصمیم گیرند که چه نوع عدالت انتقالی می خواهند این شواهد قابل دسترس باشد.^{۱۸}

پاسخ دهندگان بین المللی بیان نمودند که چگونه سیاسی سازی و کم توجهی دولت به عدالت انتقالی انرژی بین المللی را از دولت بسوی جامعه مدنی افغانی سوق داد. هدف اساسی برخی از فعالین بین المللی اینست که ظرفیت جامعه مدنی را ارتقا بخشند تا آنها بتوانند اجندای عدالت انتقالی را خود شان پیش ببرند. دفتر یوناما، هیئت کمیسیون اروپا و یک تعداد موسسات غیر دولتی بین المللی ورکشاپ ها، بحث ها و آموزش های متعددی را حمایت می کنند که برای ارتقای ظرفیت نهاد های افغانی در راستای مدافعه، آگاهی رسانه ای و عدالت انتقالی طرح شده اند. هرچند جامعه مدنی این فعالین بین المللی را بخاطریکه حمایت شان ناکافی می باشد و عدالت انتقالی در صدر اجندای شان نمی باشد مورد انتقاد قرار می دهد. از نقطه نظر یک فعال بین المللی، به اصطلاح ”رویکرد موسمی“ آنها نهاد های جامعه مدنی را تضعیف نموده و سبب کاهش اعتماد در این روند می شود.

صدای جدید: جامعه مدنی افغانستان

تاسیس گروپ هماهنگی عدالت انتقالی (TJCG) در سال ۱۳۸۸ که بیش از ۲۰ نماینده ای موسسات جامعه مدنی افغانستان را گرد هم آورد، در راستای توانمند سازی صدا های موسسات کمک نموده است. جامعه مدنی افغان با کمک های بین المللی مطمئن و استراتژیک گردیده است و از رسانه ها و رویداد های عمده منحنیث یک چارچوب برای خاطر نشان نمودن موضوع عدالت انتقالی استفاده می نماید.

یک تعداد موسسات غیر دولتی افغان و کمیسیون مستقل حقوق بشر

^{۱۶} گزارش نهایی در مورد جامعه مدنی، ورکشاپ عدالت انتقالی و مستند سازی در کابل ۱۷-۱۹ فروری ۲۰۰۹. این ورکشاپ توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر و عدالت انتقالی بین المللی، بنیاد آزاد و انستیتوت ایالات متحده برای صلح دایر گردید.

^{۱۷} مصاحبه نویسنده با کارشناس بین المللی، ۱۵ قوس ۱۳۸۱.

^{۱۸} مصاحبه نویسنده با کارشناس بین المللی، ۱۵ قوس ۱۳۸۱.

دهد تا مسؤلیت پیگیری و بررسی مرتکبین را به عهده نگیرند. بعلاوه، قسمیکه یک کارشناس بین المللی بیان نمود، قانون مذکور تطبیق مکانزم های عدالت انتقالی را مغلق می سازد.

مسؤلیت های بین المللی و واکنش های عدالت انتقالی

از طریق تصویب معاهدات حقوق بشر بین المللی، دولت ها معیار ها و قانون داخلی را مطابق به وظایف و فرایض معاهدات مذکور قرار می دهند. دولت افغانستان یک تعداد معاهدات^{۱۲} را در این رابطه تایید نموده و باید مسؤلیت ابتدایی را جهت تطبیق عدالت انتقالی در افغانستان بعهده گیرد. هرچند وخیم شدن وضع امنیت باعث شده تا مباحث ”صلح قبل از عدالت“ بیشتر نفوذ یابد و عدالت انتقالی و پلان عملی را از اجندای سیاسی دور نگهدارد. بعلاوه، روند انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ موقف بسیاری از مرتکبین سو استفاده از حقوق بشر را میان نخبگان سیاسی محصور کرد. رئیس جمهور حامد کرزی با وجود اینکه پلان عمل را تایید و آغاز نمود، همچنان در قسمت بررسی گذشته کم علاقه بنظر می رسد (وی اخیراً انتقاداتی را که در قسمت موجودیت مجرمین جنگی در حکومت او صورت گرفته اند یک ”موضوع قدیمی“ خواند، و ادعا نمود که چنین گفته ها توطئه دشمنان افغانستان است)^{۱۳} بنابراین بعید است که دولت جدید مسایل عفو و حسابدهی را برای جرایم جنگی بررسی کند.

هرچند برخی از دول بخصوص دولت ناروی و هالند گاهگاهی از چارچوب های بین المللی استفاده نموده اند تا اهمیت عدالت انتقالی و پلان عملی^{۱۴} را برجسته سازند، بسیاری از شرکای بین المللی افغانستان در مقابل مسایل حسابدهی برای جرایم جنگی خاموش اند با وجود اینکه قبلاً می دانستند که خاموش بودن در مقابل جرایم جنگی و نمودن کدام کاری در برابر بیرحمی ها در ممالک دیگر چه خطراتی دارد.^{۱۵}

جامعه مدنی بین المللی فعالیت نموده اند تا موضوع عدالت انتقالی را زنده نگهدارند. تلاش های جاری جهت حمایت روند مستند سازی جرایم جنگی و سو استفاده از حقوق بشر مشخص سازی و حفظ گور

^{۱۲} تحت موافقتنامه بن افغانستان محدود گردیده با موارد ذیل: توافقنامه جنیوا ۱۳۲۸؛ توافقنامه قتل عام ۱۳۲۷؛ توافقنامه در باره تطبیق نشدن محدودیت های قانونی جرایم جنگی و جرایم علیه انسانیت ۱۳۴۷؛ پیمان بین المللی در مورد حقوق بشری و سیاسی؛ و توافقنامه علیه زجر و مجازات و رویه غیر انسانی ۱۳۶۳. همچنان افغانستان حکم روم را در حوت ۱۳۸۲ به تصویب رساند و بعداً تحت قلمرو محاکم جنایی بین المللی قرار گرفت.

^{۱۳} http://www.watchafghanistan.org/files/Newsletter_06_English.pdf. Afghanistan Watch, Afghan Media Monitoring Newsletter No. 6, 31 September 2009.

^{۱۴} در بازنگری انجمن جهانی حقوق بشر سال ۱۳۸۸، ناروی، مکسیکو، و مراکش درخواست کردند که حکومت افغانستان پلان عملی را تطبیق نمایند درحالیکه هالند و جمهوری چک بر اهمیت عدالت انتقالی تاکید ورزیدند. در اکتوبر ۲۰۰۹ حکومت هالند بودجه خویش را برای حمایت از سکتور عدلی وقف دادند و بیان نمودند که در راستای تطبیق پلان عملی کار کمتر صورت گرفته است.

^{۱۵} مثال ها را می توان در ایجاد محاکم جنایی بین المللی برای یوگوسلاویا توسط شورای امنیتی سازمان ملل در ۱۳۲۷ و تاسیس محاکم جنایی برای روند در ۱۳۷۳ مشاهده کرد.

کرده اند کار، تعلیم، تقاعد، و زمین پیشکش نمود.^{۲۱} نمایندگان دول که در لندن حضور داشتند اظهار نمودند که از این برنامه حمایت می نمایند و جرگه صلح در ۳۰ ثور به تعقیب کنفرانس کابل در نظر گرفته شده است. قانون عفو که یک ماه قبل از کنفرانس لندن ارائه گردیده بود نقش مهمی را ایفا می تواند.

این برنامه برای عدالت انتقالی چه عواقبی را خواهد داشت؟ درحال حاضر، برنامه مذکور در مورد مصونیت چیزی نگفته و از آن قردادانی ننموده است. این برنامه همچنان پیگیری های محاکم بین المللی جرایم را در قسمت جرایم که طالبان و نیروهای خارجی از سال ۱۳۸۲ بدینسو در افغانستان مرتکب شده اند نادیده می گیرد. این رویکرد به طالبان که مرتکب جرایم جنگی شده اند موقع را مساعد می سازد تا دوباره به اجتماعات برگردند بدون اینکه مجرم قرار داده شوند و بدون توجه به عواقب که در راستای احترام به حاکمیت قانون بمیان می آید. مبهم است که آیا این نوع پالیسی سبب بوجود آمدن صلح و آشتی می گردد. بخاطر تامین صلح پایدار و واقعی، اغلب پنداشته می شود که آشتی تغییر دادن برخورد و رفتار دشمنان قبلی است تا روابط جدید بر اساس اعتماد متقابل بوجود آید. آشتی پروسه ای است که ممکن دهه ها را دربر گیرد. پالیسی کنونی منحیث بخشی از استراتژی حل منازعات بهتر شرح داده شده است. ایجاد شرایط برای صلح و آشتی یک نقطه آغازین بوده می تواند، اما تصور اینکه بدین شیوه آشتی بمیان آمده می تواند به این معنی است که پالیسی های درازمدت را که در راستای ایجاد اعتماد متقابل و درک جدید میان اجتماعات کار می کنند باید به یک سو گذاشته شوند.

عدم موفقیت در راستای رسیدگی به مصونیت در افغانستان به نامنی های جاری کمک می کند. عدالت انتقالی باید دوباره در اجنداها شامل گردد. کسانیکه از عدالت اجتماعی حمایت می نمایند باید با دولت افغانستان ارتباط داشته باشند، درحالیکه پالیسی سازان باید تداوم بخشیدن معافیت را در ثبات درازمدت افغانستان مد نظر گیرند.

در راستای بلند ارتقای سطح آگاهی در مورد عدالت انتقالی، ثبت نقض حقوق بشر در گذشته و حال، و تلاش در قسمت تضمین اینکه زجر قربانیان جنگ گذشته فراموش نشده اند، فعالیت می نمایند. شبکه های حمایتی قربانیان اجتماعی را بمیان می آورند که دارای علاقمندی مشترک اند، تیاترهای سیار داستان های مصونیت را بازتاب می دهند و داستان های قربانیان در تلویزیون ها و برنامه های رادیویی نشر گردیده اند. پروژه اخیر کمیسیون حقوق بشر نقض حقوق بشر را میان سال های ۱۳۵۷-۱۳۸۰ در هر ولایت نگاشته است.^{۱۹}

اگر عمومی صحبت شود، هرچند دولت افغانستان و جامعه دیپلماتیک بین المللی به چنین تلاش ها اعتنایی ننموده است. رسانه ها نیز در افغانستان در قسمت عدالت انتقالی خاموش مانده اند.^{۲۰} همچنین ظرفیت رسانه ها و موسسات جامعه مدنی اندک است تا تجارب ملت را در جریان جنگ درک کنند در مورد آن پژوهش نمایند و یا به آگاهی عامه برسانند. فقط یک تعداد از موسسات در مورد بعضی از موضوعات چون بسیج سازی قربانیان، مستند سازی، افزایش آگاهی و آموزش تخصص یافته اند. بعلاوه، بعضی از پاسخ دهندگان از جامعه مدنی شرح دادند که چگونه تقسیمات داخلی و عدم هماهنگی میان گروه عدالت انتقالی موثریت فعالیت های شانرا ضعیف می سازد.

بسیاری از فعالیت های جامعه مدنی در کابل محدود بوده و گسترش آنها در مناطق دیگر بنابر نگرانی های امنیتی محدود گردیده اند. طبق گفته رئیس یک موسسه غیر دولتی، خطر چشمگیریکه در ولایات وجود دارد بدین معنی است که پلان وسعت دادن پروژه های عدالت انتقالی در آنجا اخیراً توقف یافته اند. فعالین بین المللی بیان داشتند که دریافت راه ها بمنظور ارتباط یابی در مناطق و در ولایات برای افغان ها و فعالین بین المللی چالش خواهد بود.

یک نگرانی بیشتر همانا عدم ارتباط میان موسسات جامعه مدنی (افغان و بین المللی) که روی عدالت انتقالی کار می کنند و دولت است. جهت رسیدگی بیشتر به گذشته باید علاقه سیاسی را افزایش داد و باید نهاد های سیاسی را در آن دخیل ساخت. برای فعالین که در راستای عدالت انتقالی مدافعه می نمایند که دولت را دوباره در این بحث بگنجانند، حتی اگر قرار باشد که در اوایل فقط مسولیت های دولت را در کاغذ بنویسند. چالش اینست که راه های انجام این کار دریافت شوند.

نگاهی به آینده: استقرار مجدد، آشتی و عدالت انتقالی

اخیراً دولت و جامعه جهانی بالای صلح با طالبان و استقرار مجدد مبارزین آنها تاکید می ورزند. رئیس جمهور حامد کرزی یک برنامه موثر، جامع، شفاف و پایدار ملی صلح و استقرار مجدد را در کنفرانس لندن در دلو ۱۳۸۸ آشکار نمود که در آن به شورشیان که از کشور فرار